

فصل نهم: مطالعات تطبیقی و تجربه سایر کشورها

مبحث اول: معاملات طلا در نظام‌های حقوقی اسلامی

مقدمه

طلا در نظام‌های حقوقی اسلامی جایگاهی متفاوت از بسیاری از کالاهای اقتصادی دارد؛ زیرا علاوه بر آنکه یک مال دارای ارزش اقتصادی و موضوع معامله است، در فقه اسلامی از دیرباز به عنوان یکی از «اموال ربوی» شناخته شده و معاملات مربوط به آن تحت تأثیر قواعد خاصی مانند بیع صرف، ضرورت قبض، منع ربا و جلوگیری از غرر قرار گرفته است.

اهمیت بررسی جایگاه طلا در نظام‌های حقوقی اسلامی از آن جهت است که بسیاری از کشورهای اسلامی، اگرچه دارای نظام‌های حقوقی مدرن و قوانین موضوعه هستند، اما در تنظیم مقررات مربوط به معاملات طلا همچنان از مبانی فقهی اسلامی تأثیر پذیرفته‌اند. این تأثیر در برخی کشورها به صورت مستقیم و از طریق قانون‌گذاری مبتنی بر فقه، و در برخی دیگر از طریق مقررات بانکداری اسلامی، استانداردهای شرعی و دستورالعمل‌های نهادهای نظارتی مشاهده می‌شود.

در حقوق ایران نیز معاملات طلا در نقطه تلاقی سه نظام قرار گرفته است:

۱. قواعد عمومی قراردادها در قانون مدنی؛

۲. مبانی فقه امامیه در خصوص بیع صرف و معاملات اموال ربوی؛

۳. مقررات جدید اقتصادی، صنفی و مالی مربوط به بازار طلا.

ازاین‌رو، مطالعه تطبیقی جایگاه طلا در نظام‌های حقوقی اسلامی می‌تواند در شناخت بهتر مبانی حقوقی معاملات طلا و ارزیابی چالش‌های موجود در حقوق ایران مؤثر باشد.

۱. جایگاه فقهی طلا در نظام حقوقی اسلامی

۱- طلا به عنوان مال ربوی

در فقه اسلامی، طلا و نقره در زمره اموالی قرار گرفته‌اند که معاملات آن‌ها دارای احکام خاص است. این ویژگی ناشی از آن است که طلا و نقره در دوره‌های تاریخی گذشته نقش ابزار مبادله و وسیله سنجش ارزش اقتصادی را داشته‌اند.

فقه‌های اسلامی با استناد به روایات مربوط به بیع طلا و نقره، معاملات این دو فلز را مشمول احکام خاصی دانسته‌اند. مشهور فقها معتقدند که در معامله طلا با طلا یا نقره با نقره، رعایت شرایطی مانند تساوی مقدار و تحقق قبض ضروری است و در معامله طلا با کالاهای دیگر نیز رعایت ضوابط خاص بیع صرف مورد توجه قرار می‌گیرد.

در حقوق ایران، این مباحث از طریق فقه امامیه بر تحلیل حقوقی معاملات طلا اثر گذاشته است. اگرچه قانون مدنی ایران به صورت مستقل اصطلاح «مال ربوی» را تعریف نکرده، اما بسیاری از قواعد مربوط به معاملات طلا از مباحث فقهی مربوط به بیع صرف استخراج شده است.

۲- مفهوم بیع صرف و ارتباط آن با معاملات طلا

بیع صرف در فقه اسلامی به معامله‌ای گفته می‌شود که موضوع آن طلا یا نقره باشد. ویژگی اصلی این عقد، توجه ویژه به قبض و جلوگیری از ایجاد تعهدات غیرواقعی در مبادلات پولی و فلزی است.

در فقه امامیه، مشهور فقها تحقق صحیح بیع صرف را منوط به قبض عوضین در مجلس عقد دانسته‌اند. فلسفه این حکم جلوگیری از ایجاد معاملات اعتباری بدون پشتوانه واقعی و پیشگیری از شکل‌گیری معاملات ربوی است.

در حقوق ایران، ماده ۳۶۴ قانون مدنی مقرر می‌کند:

«در بیع خیار، مالکیت از حین عقد بیع حاصل می‌شود نه از تاریخ انقضاء خیار؛ و در بیعی که قبض شرط صحت است، مثل بیع صرف، انتقال مالکیت بعد از حصول قبض به عمل می‌آید.»

بر اساس این حکم، قانونگذار ایرانی با پذیرش مبنای فقهی، بیع صرف را از قواعد عمومی بیع جدا کرده و قبض را در تحقق اثر حقوقی آن مؤثر دانسته است. بنابراین، در تحلیل حقوقی معاملات طلا باید میان معاملات عادی فروش طلا و معاملاتی که از نظر ماهیت مصداق بیع صرف محسوب می‌شوند، تفاوت قائل شد.

2. رویکرد کشورهای اسلامی به معاملات طلا

کشورهای اسلامی در مواجهه با معاملات طلا رویکردهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. برخی کشورها مقررات خود را بر مبنای فقه اسلامی تنظیم کرده‌اند و برخی دیگر با ایجاد بازارهای مالی پیشرفته، تلاش کرده‌اند میان الزامات شرعی و ابزارهای نوین اقتصادی تعادل ایجاد کنند.

۱- مالزی

مالزی یکی از کشورهایی است که در حوزه مالی اسلامی دارای نظام توسعه‌یافته‌ای است. در این کشور، معاملات طلا در چارچوب استانداردهای شرعی و مقررات بانک مرکزی مورد توجه قرار گرفته است.

نهادهای مالی اسلامی مالزی تلاش کرده‌اند معاملات طلا را از نظر شرعی با معیارهایی مانند: وجود واقعی طلا؛ مالکیت مشخص؛ امکان تحویل؛ شفافیت قرارداد؛ جلوگیری از معاملات صرفاً سفته‌بازانه، هماهنگ کنند.

در این نظام، میان طلای فیزیکی و ابزارهای مالی مبتنی بر طلا تفاوت گذاشته می‌شود. ابزارهایی که صرفاً بر تغییر قیمت طلا مبتنی هستند و پشتوانه واقعی ندارند، معمولاً با محدودیت‌های شرعی بیشتری مواجه‌اند.

۲- کشورهای حوزه خلیج فارس

کشورهایی مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین دارای بازارهای گسترده طلا هستند. در این کشورها، اگرچه ساختار اقتصادی مدرن است، اما معاملات طلا همچنان تحت تأثیر اصول شریعت اسلامی قرار دارد.

ویژگی مهم این بازارها عبارت است از: تأکید بر ثبت معاملات؛ نظارت بر اصالت و عیار طلا؛ کنترل فعالیت فروشندگان؛ تفکیک میان طلای فیزیکی و معاملات مالی.

در امارات متحده عربی، بازارهایی مانند بازار طلای دبی بر پایه معاملات واقعی طلا فعالیت می‌کنند و کنترل کیفیت، عیارسنجی و صدور گواهی‌های مرتبط نقش مهمی در اعتماد عمومی دارد.

۳- عربستان سعودی

در عربستان سعودی، معاملات طلا علاوه بر مقررات تجاری، تحت تأثیر دیدگاه‌های فقهی حاکم قرار دارد. موضوعاتی مانند قبض، مالکیت واقعی و جلوگیری از معاملات غیرواقعی در تحلیل شرعی معاملات طلا مورد توجه قرار می‌گیرد.

در سال‌های اخیر، با توسعه خدمات مالی جدید، بحث درباره معاملات الکترونیکی طلا نیز مطرح شده است. رویکرد غالب در نظام‌های اسلامی این است که معامله دیجیتال زمانی قابل پذیرش‌تر است که نمایانگر مالکیت واقعی بر مقدار مشخصی طلا باشد، نه صرفاً یک قرارداد مالی بر تغییر قیمت.

3. اصول مشترک نظام‌های حقوقی اسلامی در معاملات طلا

با وجود تفاوت‌های موجود میان نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی، چند اصل مشترک در بیشتر این نظام‌ها مشاهده می‌شود:

۱- ضرورت وجود واقعی موضوع معامله

یکی از مهم‌ترین اصول در معاملات اسلامی طلا، وجود واقعی مال مورد معامله است. معامله‌ای که صرفاً بر مبنای ثبت عددی، وعده خرید آینده یا اختلاف قیمت شکل گرفته باشد، ممکن است با ایرادهای شرعی و حقوقی مواجه شود.

این اصل در سال‌های اخیر در بحث معاملات آنلاین طلا اهمیت بیشتری یافته است؛ زیرا پرسش اصلی این است که آیا خریدار واقعاً مالک مقدار مشخصی طلا شده یا صرفاً یک طلب مالی نسبت به پلتفرم پیدا کرده است.

۲- اهمیت قبض و امکان تصرف

قبض در معاملات طلا یکی از مفاهیم کلیدی فقهی است. در نظام‌های حقوقی اسلامی، قبض تنها تحویل فیزیکی ساده نیست، بلکه می‌تواند با توجه به عرف و فناوری، شکل‌های مختلفی پیدا کند. برای مثال، در برخی نظام‌های مالی اسلامی، ثبت مالکیت مشخص یک مقدار معین طلا در حساب مشتری همراه با امکان تحویل واقعی، می‌تواند به عنوان نوعی قبض حکمی مورد بررسی قرار گیرد.

۳- منع معاملات مبتنی بر غرر و ابهام

یکی از اصول اساسی در فقه معاملات اسلامی، ممنوعیت معامله‌ای است که موضوع یا شرایط آن برای طرفین روشن نیست. در معاملات طلا، موارد زیر می‌تواند موجب ایجاد غرر شود: نامشخص بودن مقدار طلا؛ مشخص نبودن عیار؛ نبود امکان تحویل؛ وابستگی صرف معامله به نوسانات قیمت بدون موضوع واقعی. این اصل در حقوق ایران نیز از طریق قواعد عمومی قراردادها مانند لزوم معلوم و معین بودن مورد معامله انعکاس یافته است.

4. مقایسه رویکرد فقهی اسلامی با حقوق ایران

حقوق ایران در حوزه معاملات طلا، بیشترین ارتباط را با فقه امامیه دارد؛ زیرا قانون مدنی ایران در بسیاری از موارد بر مبانی فقهی تدوین شده است.

با این حال، بازار امروز طلا با شرایطی مواجه است که در زمان شکل‌گیری قواعد سنتی فقهی وجود نداشته است؛ از جمله: معاملات آنلاین؛ کیف پول‌های دیجیتال طلا؛ خرید و فروش اعتبار طلا؛ معاملات مبتنی بر اختلاف قیمت؛ سرمایه‌گذاری سازمان‌یافته در طلا. این تحولات موجب شده است که صرف استفاده از قواعد سنتی بیع صرف برای پاسخ به تمام مسائل جدید کافی نباشد و نیاز به تحلیل تلفیقی میان فقه، حقوق اقتصادی و فناوری‌های مالی وجود داشته باشد.

در واقع، چالش اصلی نظام حقوقی ایران این است که چگونه می‌توان اصول بنیادین فقهی مانند مالکیت واقعی، قبض، منع غرر و جلوگیری از معاملات صوری را با نیازهای بازار مدرن طلا هماهنگ کرد.

جمع بندی

بررسی معاملات طلا در نظام‌های حقوقی اسلامی نشان می‌دهد که طلا همواره دارای جایگاهی ویژه‌تر از یک کالای عادی بوده است. ویژگی‌های اقتصادی، تاریخی و فقهی این فلز باعث شده است که نظام‌های حقوقی اسلامی برای آن قواعد خاصی مانند ضرورت قبض، جلوگیری از غرر و تأکید بر وجود واقعی موضوع معامله در نظر بگیرند.

حقوق ایران نیز به عنوان یکی از نظام‌های حقوقی مبتنی بر فقه امامیه، این مبانی را در مقررات مربوط به بیع صرف و قواعد عمومی معاملات پذیرفته است. با این حال، ظهور معاملات نوین طلا مانند پلتفرم‌های آنلاین و ابزارهای مالی جدید، نیازمند بازخوانی این اصول و تطبیق آن‌ها با شرایط اقتصادی جدید است. تجربه کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که راهکار اصلی، حذف مبانی سنتی نیست، بلکه ایجاد سازوکاری است که ضمن حفظ اصول شرعی و حقوقی، امکان فعالیت شفاف و امن در بازار مدرن طلا را فراهم کند.

مبحث دوم: بازارهای رسمی طلا در جهان

مقدمه

بازار طلا در جهان یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین بازارهای مالی و کالایی محسوب می‌شود. برخلاف تصور عمومی که طلا را صرفاً یک کالای زینتی یا وسیله حفظ ارزش دارایی می‌داند، در اقتصاد جهانی طلا همزمان دارای چند نقش اساسی است: کالای فیزیکی قابل معامله؛ ابزار سرمایه‌گذاری؛ ذخیره ارزش در نظام‌های مالی؛ دارایی مورد استفاده بانک‌های مرکزی؛ موضوع قراردادهای مالی و ابزارهای مشتقه.

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که بازار موفق طلا تنها بر پایه خرید و فروش ساده طلا شکل نمی‌گیرد، بلکه نیازمند مجموعه‌ای از نهادها، استانداردها، نظام‌های نظارتی، سازوکارهای شفاف قیمت‌گذاری و روش‌های دقیق ثبت مالکیت است.

در نظام‌های پیشرفته اقتصادی، هدف اصلی تنظیم بازار طلا، ایجاد تعادل میان آزادی معاملات، حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، جلوگیری از تقلب، کنترل فعالیت‌های غیرشفاف و تضمین اعتماد عمومی است.

بررسی ساختار بازارهای رسمی طلا در جهان می‌تواند برای تحلیل وضعیت بازار طلای ایران و طراحی نظام حقوقی کارآمدتر، اهمیت ویژه‌ای داشته باشد.

1. مفهوم بازار رسمی طلا

۱- تعریف بازار رسمی طلا

بازار رسمی طلا به مجموعه‌ای از نهادهای بورسی، مؤسسات مالی، پالایشگاه‌ها، خزانه‌ها و فعالان اقتصادی گفته می‌شود که معاملات طلا در آن‌ها بر اساس قواعد مشخص، استانداردهای فنی و الزامات نظارتی انجام می‌شود.

در یک بازار رسمی، عناصر اصلی معامله شامل موارد زیر به صورت شفاف مشخص است: هویت فروشنده و خریدار؛ مشخصات دقیق طلا؛ وزن و عیار استاندارد؛ روش قیمت‌گذاری؛ نحوه انتقال مالکیت؛ محل نگهداری طلا؛ امکان تحویل یا تسویه.

در مقابل، بازارهای غیررسمی معمولاً فاقد ساختارهای شفاف ثبت، نظارت و تضمین هستند و زمینه بیشتری برای اختلاف، تقلب، پولشویی و معاملات بدون پشتوانه ایجاد می‌کنند.

2. بازار طلای لندن؛ مهم‌ترین مرکز معاملات عمده طلا در جهان

۱- جایگاه بازار لندن

بازار طلای لندن یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین مراکز معاملات عمده طلا در جهان است. این بازار بیشتر بر معاملات عمده میان بانک‌ها، مؤسسات مالی، پالایشگاه‌ها و معامله‌گران حرفه‌ای تمرکز دارد. ساختار بازار لندن عمدتاً بر پایه معاملات خارج از بورس (OTC) است؛ یعنی برخلاف بورس‌های کلاسیک، معاملات مستقیماً میان طرفین حرفه‌ای انجام می‌شود، اما تحت استانداردها و قواعد مشخص قرار دارد. یکی از مهم‌ترین نهادهای مرتبط با این بازار، London Bullion Market Association است که استانداردهای مربوط به بازار شمش طلا و نقره را تعیین می‌کند.

۲- استاندارد شمش طلای لندن

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بازار لندن، استاندارد معروف «Good Delivery» است. بر اساس این استاندارد، شمش‌های طلا باید دارای ویژگی‌هایی مانند: وزن مشخص؛ حداقل میزان خلوص؛ تولید توسط پالایشگاه‌های معتبر؛ علامت و مشخصات قابل رهگیری؛ پذیرش در فهرست تولیدکنندگان معتبر، باشند.

این استاندارد باعث شده است که شمش‌های پذیرفته‌شده در بازار لندن قابلیت معامله جهانی پیدا کنند.

از منظر حقوقی، اهمیت این استاندارد در آن است که موضوع معامله از حالت کلی و مبهم خارج شده و ویژگی‌های فنی مال مورد معامله مشخص می‌شود.

۳- نقش قیمت مرجع لندن

قیمت طلا در بازار جهانی تا حد زیادی تحت تأثیر سازوکارهای قیمت‌گذاری لندن قرار دارد. قیمت مرجع طلا بر اساس فرآیندهای رسمی تعیین می‌شود که هدف آن ایجاد یک معیار قابل اعتماد برای معاملات جهانی است. وجود قیمت مرجع باعث کاهش اختلافات قراردادی می‌شود؛ زیرا طرفین قرارداد می‌توانند به یک شاخص شناخته‌شده برای تعیین ارزش طلا استناد کنند.

3. بازار طلای نیویورک و نقش معاملات مالی طلا

۱- ساختار بازار آمریکا

در ایالات متحده آمریکا، بخش مهمی از معاملات طلا از طریق بازارهای مالی سازمان‌یافته انجام می‌شود. Commodity Exchange (COMEX) یکی از مهم‌ترین مراکز معاملات قراردادهای آتی طلا در جهان است. در این بازار، معامله‌گران می‌توانند قراردادهایی برای خرید یا فروش مقدار مشخصی طلا در آینده منعقد کنند.

۲- تفاوت معاملات فیزیکی و قراردادهای آتی

در بازارهای مالی مانند COMEX، بسیاری از معاملات به تحویل واقعی طلا منتهی نمی‌شوند، بلکه با تسویه مالی پایان می‌یابند. این موضوع تفاوت مهمی میان: مالکیت واقعی طلا؛ معامله بر مبنای تغییر قیمت؛ قراردادهای مشتقه مالی، ایجاد می‌کند.

از منظر حقوقی، این تفاوت اهمیت زیادی دارد؛ زیرا قرارداد مشتقه الزاماً همان آثار حقوقی بیع سنتی طلا را ندارد. در بسیاری از نظام‌های حقوقی، قراردادهای مالی طلا تحت مقررات جداگانه بازار سرمایه و ابزارهای مشتقه بررسی می‌شوند.

4. بازار طلای چین؛ نمونه‌ای از بازار رسمی مبتنی بر بورس داخلی

۱- بورس طلای شانگهای

چین یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان طلا در جهان است. این کشور برای سازمان‌دهی معاملات داخلی طلا، ساختار رسمی ویژه‌ای ایجاد کرده است.

Shanghai Gold Exchange مهم‌ترین مرکز معاملات طلای چین محسوب می‌شود.

این بورس نقش مهمی در: تعیین قیمت داخلی؛ استانداردسازی معاملات؛ تسهیل تحویل فیزیکی؛ اتصال تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، دارد.

۲- ویژگی مهم بازار چین: ارتباط قیمت با تحویل واقعی

یکی از تفاوت‌های مهم بورس طلای شانگهای با برخی بازارهای مالی غربی، تأکید بیشتر بر تحویل واقعی طلا است. در این ساختار، معاملات به شکل گسترده‌ای با موجودی واقعی در خزانه‌ها ارتباط دارند. این موضوع باعث افزایش ارتباط میان قیمت بازار و عرضه واقعی طلا می‌شود.

5. نظام نظارتی بازار طلا در کشورهای پیشرفته

۱- استانداردسازی عیار و کیفیت

یکی از پایه‌های اصلی بازارهای رسمی طلا، وجود استانداردهای دقیق برای تعیین کیفیت است. در کشورهای مختلف، نهادهای استاندارد یا مراکز عیارسنجی وظیفه دارند: صحت عیار را بررسی کنند؛ از ورود طلای تقلبی جلوگیری کنند؛ امکان رهگیری محصول را فراهم کنند. این موضوع در معاملات خرد اهمیت زیادی دارد؛ زیرا مصرف‌کننده معمولاً امکان آزمایش مستقل طلا را ندارد.

۲- ثبت و شفافیت معاملات

بازارهای رسمی معمولاً دارای سازوکارهایی برای ثبت اطلاعات معامله هستند. این اطلاعات شامل: مشخصات معامله‌گر؛ مقدار طلا؛ قیمت معامله؛ زمان معامله؛ مسیر انتقال مالکیت، است. ثبت معاملات علاوه بر حمایت از حقوق طرفین، نقش مهمی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی فعالیت‌های غیرقانونی دارد.

۳- نظام مبارزه با پولشویی در بازار طلا

به دلیل ارزش بالا و قابلیت انتقال آسان، طلا همواره مورد توجه نظام‌های مبارزه با پولشویی بوده است. در بسیاری از کشورها، فعالان بازار طلا موظف به رعایت مقرراتی مانند: احراز هویت مشتری؛ ثبت معاملات بزرگ؛ گزارش فعالیت‌های مشکوک؛ نگهداری سوابق معاملات، هستند. این مقررات تلاش می‌کند میان آزادی تجارت و کنترل فعالیت‌های مجرمانه تعادل ایجاد کند.

6. مقایسه بازارهای رسمی جهانی با بازار ایران

بازار طلای ایران دارای ویژگی‌های تاریخی و اقتصادی خاصی است. بخش قابل توجهی از معاملات طلا در ایران همچنان در قالب معاملات سنتی میان طلافروش و مشتری انجام می‌شود.

شباهت‌های بازار ایران با بازارهای جهانی عبارت است از: اهمیت عیار و وزن؛ نقش اعتماد عمومی؛ تأثیر قیمت جهانی؛ اهمیت اصالت کالا.

اما تفاوت‌های مهمی نیز وجود دارد:

۱- محدودیت استانداردسازی اطلاعات معاملات

در بازارهای پیشرفته، مشخصات طلا و سوابق معامله معمولاً در سامانه‌های رسمی ثبت می‌شود، در حالی که در معاملات سنتی ممکن است بخش مهمی از اطلاعات تنها در فاکتور یا توافق طرفین باقی بماند.

۲- تفاوت در ابزارهای مالی

بازارهای جهانی دارای ابزارهایی مانند: قراردادهای آتی؛ صندوق‌های سرمایه‌گذاری طلا؛ اوراق مبتنی بر طلا؛ حساب‌های طلای بانکی، هستند.

در ایران، استفاده از چنین ابزارهایی محدودتر بوده و بیشتر معاملات بر طلای فیزیکی متمرکز است.

۳- چالش معاملات آنلاین

با گسترش پلتفرم‌های دیجیتال طلا در ایران، مسئله مالکیت واقعی، موجودی پشتوانه، نحوه تحویل و مسئولیت پلتفرم‌ها اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

جمع بندی

بررسی بازارهای رسمی طلا در جهان نشان می‌دهد که موفقیت یک نظام معاملاتی طلا وابسته به سه عنصر اساسی است:

نخست، استانداردسازی دقیق موضوع معامله شامل وزن، عیار و اصالت طلا؛

دوم، وجود نهادهای نظارتی و ثبت شفاف معاملات؛

سوم، تفکیک روشن میان مالکیت واقعی طلا و قراردادهای مالی مبتنی بر تغییر قیمت.

تجربه بازارهایی مانند لندن، نیویورک و شانگهای نشان می‌دهد که توسعه بازار طلا تنها از طریق افزایش حجم معاملات امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند ایجاد زیرساخت حقوقی، فنی و نظارتی است.

برای نظام حقوقی ایران نیز مهم‌ترین درس تطبیقی آن است که در کنار حفظ مبانی فقهی و حقوقی معاملات طلا، باید به سمت افزایش شفافیت، ثبت معاملات، استانداردسازی اطلاعات و تنظیم دقیق فعالیت‌های نوین مالی حرکت کرد.

مبحث سوم: تفاوت معاملات فیزیکی و مالی طلا

مقدمه

طلا در اقتصاد معاصر تنها به عنوان یک کالای فیزیکی مانند سایر کالاها مورد معامله قرار نمی‌گیرد، بلکه به یکی از مهم‌ترین دارایی‌های مالی جهان تبدیل شده است. در بازارهای مدرن، اشخاص و مؤسسات می‌توانند به روش‌های مختلف در معرض ارزش اقتصادی طلا قرار گیرند؛ از خرید یک قطعه طلای ساخته‌شده یا شمش فیزیکی گرفته تا سرمایه‌گذاری در صندوق‌های طلا، قراردادهای آتی، قراردادهای اختیار معامله و سایر ابزارهای مالی مرتبط با طلا.

این تحول موجب شده است که مفهوم «معامله طلا» دیگر محدود به انتقال مستقیم یک قطعه فلز گران‌بها از فروشنده به خریدار نباشد. در نظام‌های حقوقی معاصر، لازم است میان دو دسته اصلی از معاملات تفکیک شود:

- معاملات فیزیکی طلا که موضوع آن انتقال مالکیت خود طلا است؛
 - معاملات مالی مبتنی بر طلا که موضوع آن ایجاد موقعیت مالی نسبت به تغییرات ارزش طلا یا حقوق ناشی از آن است.
- این تفکیک از نظر حقوقی اهمیت اساسی دارد؛ زیرا آثار قرارداد، نحوه انتقال مالکیت، الزامات نظارتی، شیوه حمایت از سرمایه‌گذار و حتی تحلیل فقهی معامله در هر یک از این دو گروه متفاوت خواهد بود.

1. مفهوم و ماهیت معاملات فیزیکی طلا

۱- تعریف معاملات فیزیکی طلا

معامله فیزیکی طلا به قراردادی گفته می‌شود که موضوع مستقیم آن یک مال خارجی و قابل تعیین به نام طلا است و هدف اصلی طرفین انتقال مالکیت یا تصرف نسبت به همان مال است. نمونه‌های رایج معاملات فیزیکی عبارت‌اند از: خرید طلای ساخته‌شده از طلافروشی؛ خرید طلای آب‌شده؛ خرید شمش طلا؛ خرید سکه طلا؛ فروش طلای متعلق به شخص. در این معاملات، ارزش اقتصادی قرارداد ناشی از وجود واقعی طلا است و خریدار در نهایت مالک مقدار مشخصی از طلا می‌شود.

۲- ویژگی‌های حقوقی معاملات فیزیکی طلا

الف) وجود خارجی موضوع معامله

مهم‌ترین ویژگی معامله فیزیکی آن است که مورد معامله وجود خارجی دارد.

برای مثال، در خرید یک شمش طلا: وزن مشخص است؛ عیار مشخص است؛ مشخصات تولیدکننده یا پالایشگاه مشخص است؛ امکان تحویل و نگهداری وجود دارد.

این ویژگی موجب می‌شود که رابطه حقوقی طرفین بر یک مال معین یا قابل تعیین استوار باشد.

ب) انتقال مالکیت

در معاملات فیزیکی، هدف اصلی انتقال مالکیت طلا است. بنابراین، پس از تحقق شرایط قانونی معامله و انجام تشریفات لازم، خریدار دارای حق مالکیت نسبت به طلا خواهد شد.

در حقوق ایران، انتقال مالکیت در عقد بیع تابع قواعد عمومی قراردادها است؛ با این حال، در مواردی مانند بیع صرف، موضوع قبض و شرایط خاص آن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

ج) نقش قبض و تحویل

تحویل در معاملات فیزیکی طلا اهمیت ویژه‌ای دارد.

در یک معامله معمولی، فروشنده باید توانایی تسلیم مورد معامله را داشته باشد. در معاملات طلا، تحویل علاوه بر جنبه عملی، دارای آثار حقوقی و اثباتی نیز هست.

برای مثال: تحویل طلای آب‌شده همراه با مشخصات آن؛ تحویل شمش دارای شماره سریال؛ تحویل سکه با مشخصات قانونی، می‌تواند نقش مهمی در اثبات اجرای تعهدات داشته باشد.

2. مفهوم و ماهیت معاملات مالی طلا

۱- تعریف معاملات مالی مبتنی بر طلا

معاملات مالی طلا معاملاتی هستند که هدف اصلی آن‌ها انتقال مستقیم طلا نیست، بلکه ایجاد یک موقعیت مالی وابسته به قیمت یا ارزش طلا است.

در این معاملات، سرمایه‌گذار ممکن است بدون دریافت یا نگهداری طلای واقعی، از افزایش یا کاهش قیمت طلا منتفع یا متضرر شود.

نمونه‌های این معاملات عبارت‌اند از: قراردادهای آتی طلا؛ قراردادهای اختیار معامله؛ صندوق‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر طلا؛ اوراق بهادار مرتبط با طلا؛ قراردادهای اختلاف قیمت (CFD) در برخی بازارهای مالی.

۲- ویژگی‌های معاملات مالی طلا

الف) تمرکز بر ارزش اقتصادی به جای تحویل کالا

در معاملات مالی، هدف اصلی معمولاً کسب سود از تغییرات قیمت است.

برای مثال، شخصی که قرارداد آتی طلا خریداری می‌کند ممکن است قصد دریافت شمش نداشته باشد، بلکه هدف او استفاده از تغییرات قیمت طلا در آینده باشد. بنابراین، موضوع قرارداد بیشتر یک موقعیت مالی است تا انتقال مستقیم مالکیت طلا.

ب) نقش نهادهای مالی و بازار سرمایه

معاملات مالی طلا معمولاً در محیط‌هایی انجام می‌شوند که تحت نظارت نهادهای مالی قرار دارند. این معاملات نیازمند: مقررات خاص؛ سامانه‌های معاملاتی؛ مدیریت ریسک؛ تضمین انجام تعهدات؛ نظارت بر کارگزاران، هستند. به همین دلیل، نظام حقوقی حاکم بر آن‌ها معمولاً با حقوق سنتی بیع تفاوت دارد.

3. تفاوت‌های اساسی معاملات فیزیکی و مالی طلا

۱- تفاوت در موضوع معامله

مهم‌ترین تفاوت میان این دو نوع معامله، موضوع قرارداد است.

در معامله فیزیکی: موضوع قرارداد = خود طلا

در معامله مالی: موضوع قرارداد = حق مالی، تعهد مالی یا موقعیت اقتصادی مرتبط با قیمت طلا

این تفاوت، آثار حقوقی مهمی ایجاد می‌کند.

۲- تفاوت در هدف اقتصادی طرفین

در معاملات فیزیکی: هدف معمولاً عبارت است از: استفاده زینتی؛ حفظ ارزش دارایی؛ نگهداری سرمایه به شکل طلا.

در معاملات مالی: هدف معمولاً عبارت است از: سرمایه‌گذاری؛ پوشش ریسک نوسان قیمت؛ سفته‌بازی مالی؛ مدیریت دارایی.

۳- تفاوت در انتقال مالکیت

در معامله فیزیکی، انتقال مالکیت نسبت به خود طلا انجام می‌شود. اما در معامله مالی ممکن است هیچ‌گاه مالکیتی نسبت به طلای واقعی ایجاد نشود. برای مثال، دارنده یک قرارداد آتی طلا ممکن است تنها دارای یک حق قراردادی نسبت به تسویه مالی باشد.

۴- تفاوت در ریسک

معاملات فیزیکی ریسک‌های اصلی عبارت‌اند از: سرقت؛ نگهداری؛ تقلب در عیار؛ اختلاف وزن؛ مشکل اصالت. معاملات مالی ریسک‌های اصلی عبارت‌اند از: ریسک طرف مقابل قرارداد؛ ریسک نوسان شدید قیمت؛ ریسک نقدشوندگی؛ ریسک عملکرد نهاد مالی.

4. بررسی فقهی تفاوت معاملات فیزیکی و مالی طلا

۱- جایگاه معاملات فیزیکی در فقه اسلامی

معاملات فیزیکی طلا از نظر فقهی در چارچوب بیع و در مواردی بیع صرف بررسی می‌شود. مسائل مهم در این زمینه عبارت‌اند از: وجود واقعی مال؛ معلوم بودن مقدار و کیفیت؛ تحقق قبض؛ جلوگیری از ربا و غرر. به همین دلیل، خرید و فروش طلای موجود با رعایت شرایط قانونی و شرعی، دارای سابقه طولانی در فقه اسلامی است.

۲- چالش معاملات مالی طلا

معاملات مالی جدید پرسش‌های بیشتری ایجاد کرده‌اند؛ زیرا همیشه انتقال مستقیم طلا اتفاق نمی‌افتد. موضوعاتی که در تحلیل فقهی این معاملات بررسی می‌شود عبارت‌اند از: آیا موضوع قرارداد مال معتبر محسوب می‌شود؟ آیا مالکیت واقعی ایجاد می‌شود؟ آیا معامله دارای غرر است؟ آیا قرارداد صرفاً بر نوسان قیمت استوار است؟ آیا امکان قبض یا قبض حکمی وجود دارد؟ به همین دلیل، بسیاری از نظام‌های مالی اسلامی تلاش کرده‌اند ابزارهای مالی طلا را با شروط خاصی مانند وجود پشتوانه واقعی، امکان تحویل و شفافیت مالکیت طراحی کنند.

5. رویکرد نظام‌های حقوقی جهان نسبت به معاملات فیزیکی و مالی طلا

۱- نظام حقوقی انگلستان

در انگلستان، معاملات فیزیکی طلا و معاملات مالی طلا دارای چارچوب‌های متفاوت هستند. بازار شمش طلا عمدتاً بر استانداردهای حرفه‌ای و قراردادهای میان فعالان بزرگ اقتصادی استوار است، در حالی که ابزارهای مالی طلا تحت مقررات بازارهای مالی قرار می‌گیرند.

۲- نظام حقوقی ایالات متحده

در آمریکا، معاملات آتی و ابزارهای مشتقه طلا تحت نظارت مقررات بازار کالا و نهادهای تخصصی قرار دارند. در این نظام، قانون میان: خرید واقعی کالا؛ قرارداد مشتقه؛ ابزار سرمایه‌گذاری، تفکیک قائل می‌شود.

۳- نظام‌های حقوقی اسلامی

در کشورهای اسلامی، معمولاً تأکید بیشتری بر وجود پشتوانه واقعی طلا و جلوگیری از معاملات کاملاً صوری وجود دارد. به همین دلیل، در بسیاری از استانداردهای مالی اسلامی، معاملات مبتنی بر طلا باید شرایطی مانند: مالکیت مشخص؛ امکان تحویل؛ وجود ذخیره واقعی؛ شفافیت قرارداد، را رعایت کنند.

6. اهمیت این تفکیک در حقوق ایران

با توسعه فناوری‌های مالی، در ایران نیز مرز میان معاملات فیزیکی و مالی طلا اهمیت بیشتری یافته است. نمونه‌های جدید عبارت‌اند از: خرید آنلاین طلا؛ کیف پول‌های دیجیتال طلا؛ فروش اعتبار طلا؛ معاملات مبتنی بر اختلاف قیمت.

در این موارد، پرسش اصلی این است که آیا کاربر واقعاً مالک مقدار مشخصی طلا شده است یا صرفاً دارای یک طلب مالی نسبت به ارائه‌دهنده خدمت است.

این تفاوت می‌تواند در موضوعاتی مانند: ورشکستگی پلتفرم؛ امکان توقیف دارایی؛ اولویت طلبکاران؛ مسئولیت مدیران سامانه؛ قابلیت استرداد طلا، آثار حقوقی متفاوتی ایجاد کند.

جمع بندی

تفکیک میان معاملات فیزیکی و مالی طلا یکی از مهم‌ترین مسائل حقوقی بازار مدرن طلا است. در معاملات فیزیکی، محور اصلی قرارداد انتقال مالکیت یک مال خارجی و قابل تحویل است؛ در حالی که در معاملات مالی، موضوع قرارداد معمولاً یک موقعیت اقتصادی یا ابزار سرمایه‌گذاری مرتبط با ارزش طلا است.

نظام‌های حقوقی پیشرفته با ایجاد مقررات جداگانه برای این دو حوزه، تلاش کرده‌اند ضمن حمایت از آزادی اقتصادی، از ایجاد معاملات غیرشفاف و فاقد پشتوانه جلوگیری کنند.

برای حقوق ایران نیز با توجه به توسعه معاملات دیجیتال و ابزارهای جدید سرمایه‌گذاری، شناخت دقیق تفاوت میان مالکیت واقعی طلا و صرفاً حق مالی وابسته به قیمت طلا، ضرورتی اساسی برای قانون‌گذاری، نظارت و رسیدگی قضایی آینده خواهد بود.

مبحث چهارم: بایسته‌های بازار ایران

مقدمه

بازار طلا در ایران دارای سابقه تاریخی طولانی، جایگاه فرهنگی گسترده و نقش اقتصادی قابل توجهی است. طلا در جامعه ایران علاوه بر کارکرد زینتی، همواره به عنوان وسیله حفظ ارزش دارایی، ابزار پس‌انداز خانوارها و یکی از مهم‌ترین کالاهای سرمایه‌ای شناخته شده است. با این حال، ساختار سنتی بازار طلا در سال‌های

اخیر با تحولات گسترده‌ای مواجه شده است؛ از جمله توسعه معاملات غیرحضوری، ورود فناوری‌های مالی، افزایش سرمایه‌گذاری‌های خرد و گسترش پلتفرم‌های آنلاین.

بررسی تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که توسعه بازار طلا صرفاً با افزایش حجم معاملات حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند ایجاد یک نظام حقوقی و نظارتی منسجم است که بتواند میان سه هدف اساسی تعادل ایجاد کند:

۱. حفظ اعتماد عمومی به بازار طلا؛

۲. حمایت از حقوق خریداران و سرمایه‌گذاران؛

۳. فراهم کردن امکان توسعه ابزارهای نوین مالی.

مطالعه تطبیقی بازارهای رسمی طلا در جهان، برای حقوق ایران چندین درس مهم به همراه دارد که می‌تواند در اصلاح مقررات، کاهش اختلافات قضایی و افزایش شفافیت معاملات مورد استفاده قرار گیرد.

۱. ضرورت ایجاد نظام جامع حقوقی برای معاملات طلا

۱- وضعیت فعلی مقررات معاملات طلا در ایران

در ایران، معاملات طلا تحت تأثیر مجموعه‌ای از مقررات پراکنده قرار دارد. بخشی از قواعد مربوط به این حوزه در قانون مدنی و قواعد عمومی قراردادها، بخشی در مقررات صنفی، بخشی در مقررات مالیاتی و بخشی نیز در دستورالعمل‌های نهادهای نظارتی انعکاس یافته است.

این پراکندگی اگرچه امکان تنظیم بخش‌های مختلف بازار را فراهم کرده است، اما در برخی موارد موجب ابهام در حدود مسئولیت‌ها و نحوه نظارت شده است.

برای مثال، در معاملات جدید طلا پرسش‌هایی مطرح می‌شود که پاسخ روشن و یکپارچه‌ای به آن‌ها نیازمند مقررات تخصصی است:

- مالکیت خریدار در معاملات آنلاین دقیقاً از چه زمانی ایجاد می‌شود؟
- آیا موجودی اعلامی یک سامانه باید الزاماً معادل طلای فیزیکی ذخیره‌شده باشد؟
- در صورت ورشکستگی پلتفرم، وضعیت حقوق مشتریان چگونه خواهد بود؟
- مسئولیت مدیران سامانه در صورت کسری موجودی چیست؟

تجربه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که پاسخ به این مسائل نیازمند وجود یک چارچوب حقوقی مستقل و جامع است.

2. ضرورت استانداردسازی موضوع معامله

۱- اهمیت استانداردسازی در بازار طلا

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بازارهای رسمی جهان، استاندارد بودن موضوع معامله است. در بازارهای معتبر، طلا صرفاً با عنوان کلی «طلا» معامله نمی‌شود، بلکه مشخصات آن دقیقاً تعیین می‌گردد. عناصر اصلی استانداردسازی عبارت‌اند از: وزن دقیق؛ عیار مشخص؛ روش تعیین خلوص؛ منشأ تولید؛ شماره یا شناسه قابل رهگیری؛ وضعیت مالکیت. این موضوع باعث می‌شود اختلافات مربوط به کیفیت، اصالت و ارزش کاهش یابد.

۲- ضرورت استانداردسازی در بازار طلا

در بازار ایران، اگرچه عیار و وزن از عناصر شناخته‌شده معاملات طلا هستند، اما در برخی معاملات به خصوص معاملات غیرحضوری، نیاز به استانداردهای دقیق‌تر وجود دارد. برای مثال، در معاملات طلای آب‌شده یا معاملات دیجیتال باید مشخص باشد: طلای خریداری‌شده متعلق به کدام ذخیره فیزیکی است؛ چگونه اصالت آن بررسی شده است؛ چه نهادی مسئول تأیید موجودی است؛ امکان رهگیری مالکیت چگونه فراهم می‌شود. ایجاد نظام استانداردسازی می‌تواند از بسیاری از اختلافات حقوقی آینده جلوگیری کند.

3. ضرورت تفکیک میان بازار کالایی و بازار مالی طلا

۱- تجربه کشورهای دیگر

یکی از مهم‌ترین درس‌های بازارهای جهانی، تفکیک روشن میان: خرید و فروش طلای فیزیکی؛ معاملات سرمایه‌گذاری مبتنی بر طلا؛ ابزارهای مشتقه مالی؛ است. در بسیاری از کشورها، این معاملات تحت مقررات متفاوتی قرار دارند. برای مثال، شخصی که شمش طلا خریداری می‌کند، مالک یک مال فیزیکی است؛ اما شخصی که واحد یک صندوق طلا خریداری می‌کند، مالک یک ابزار مالی محسوب می‌شود. عدم تفکیک این مفاهیم می‌تواند موجب برداشت نادرست مصرف‌کنندگان و ایجاد اختلافات حقوقی شود.

۲- ضرورت اصلاح در ایران

در ایران نیز لازم است میان انواع فعالیت‌های مرتبط با طلا تفاوت قانونی ایجاد شود:

الف) معاملات فیزیکی

مانند: فروش مصنوعات طلا؛ فروش سکه؛ فروش شمش و طلای آب‌شده.

ب) معاملات سرمایه‌گذاری

مانند: صندوق‌های سرمایه‌گذاری طلا؛ ابزارهای مالی مبتنی بر طلا؛ سامانه‌های سرمایه‌گذاری دیجیتال.

هر یک از این حوزه‌ها نیازمند قواعد خاص در زمینه: مجوز فعالیت؛ نحوه تبلیغات؛ مسئولیت ارائه‌دهنده خدمت؛ حمایت از مشتری، است.

4. توسعه نظام ثبت و شفافیت معاملات

۱- نقش ثبت معاملات در بازارهای پیشرفته

بازارهای رسمی جهان برای افزایش اعتماد عمومی، بر ثبت و نگهداری اطلاعات معاملات تأکید دارند.

ثبت اطلاعات موجب می‌شود: مسیر انتقال مالکیت مشخص باشد؛ اختلافات سریع‌تر حل شود؛ امکان تقلب کاهش یابد؛ مبارزه با پولشویی مؤثرتر انجام شود.

۲- وضعیت مطلوب برای ایران

در معاملات طلا، به‌خصوص معاملات با ارزش بالا، ایجاد سامانه‌های ثبت اطلاعات می‌تواند نقش مهمی داشته باشد. این ثبت می‌تواند شامل موارد زیر باشد: مشخصات طرفین؛ مشخصات طلا؛ وزن و عیار؛ مبلغ معامله؛ زمان انتقال؛ محل نگهداری. البته اجرای چنین نظامی باید با رعایت اصول حمایت از داده‌های شخصی و امنیت اطلاعات انجام شود.

5. تقویت حمایت حقوقی از مصرف‌کنندگان

۱- تجربه کشورهای پیشرفته

در بازارهای توسعه‌یافته، حمایت از مصرف‌کننده یکی از ارکان اصلی تنظیم بازار طلا است.

این حمایت شامل: الزام به ارائه اطلاعات دقیق؛ ممنوعیت تبلیغات گمراه‌کننده؛ امکان اعتراض و رسیدگی؛ مسئولیت فروشنده یا ارائه‌دهنده خدمت، است.

۲- پیشنهادهای قابل استفاده برای ایران

در بازار ایران نیز لازم است حقوق خریداران طلا به صورت روشن‌تر تعریف شود.

از جمله: تعیین الزامات دقیق برای صدور فاکتور؛ مشخص بودن اجرت و هزینه‌های جانبی؛ اعلام شفاف قیمت؛ پیش‌بینی سازوکار حل اختلاف تخصصی. وجود قواعد روشن می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد.

6. تنظیم حقوقی معاملات آنلاین طلا

۱- تجربه جهانی در حوزه طلای دیجیتال

برخی کشورها با توسعه فناوری مالی، امکان خرید دیجیتال طلا را فراهم کرده‌اند، اما این فعالیت‌ها معمولاً تحت شرایط سخت‌گیرانه انجام می‌شود. مهم‌ترین الزامات عبارت‌اند از: وجود ذخیره واقعی طلا؛ نگهداری امن دارایی؛ امکان تطبیق موجودی دیجیتال با طلای فیزیکی؛ شفافیت گزارش‌دهی؛ نظارت مستمر.

۲- الزامات پیشنهادی برای ایران

با توجه به گسترش پلتفرم‌های آنلاین طلا در ایران، ضروری است مقررات مشخصی درباره موارد زیر تدوین شود:

الف) الزام به پشتوانه واقعی

هر واحد طلای دیجیتال باید نماینده مقدار مشخصی طلای موجود باشد.

ب) تفکیک دارایی مشتری از دارایی شرکت

طلای متعلق به مشتری نباید با دارایی‌های شرکت مخلوط شود.

ج) تعیین وضعیت حقوقی در ورشکستگی

قانون باید مشخص کند که مشتری مالک طلا است یا صرفاً طلبکار شرکت محسوب می‌شود.

د) نظارت بر تبلیغات

ادعاهایی مانند تضمین سود یا حذف کامل ریسک باید کنترل شود.

7. ایجاد نهادهای تخصصی حل اختلاف

۱- مشکل رسیدگی عمومی به دعاوی طلا

اختلافات مربوط به طلا دارای جنبه‌های فنی و تخصصی هستند. برای مثال، بررسی اختلاف درباره عیار؛ وزن؛ اصالت؛ ارزش روز؛ نحوه محاسبه خسارت، نیازمند دانش تخصصی است.

۲- تجربه کشورهای دیگر

در بسیاری از نظام‌های حقوقی، نهادهای تخصصی یا داوری‌های حرفه‌ای برای حل اختلافات تجاری ایجاد شده است. این روش موجب کاهش زمان رسیدگی؛ کاهش هزینه دادرسی؛ افزایش دقت تصمیم‌گیری، می‌شود.

۳- پیشنهاد برای ایران

ایجاد شعب تخصصی یا هیأت‌های کارشناسی ویژه دعاوی طلا می‌تواند موجب افزایش کیفیت رسیدگی قضایی شود.

این نهادها می‌توانند با بهره‌گیری از: قضات آشنا با معاملات مالی؛ کارشناسان رسمی طلا؛ متخصصان بازار سرمایه، به اختلافات پیچیده رسیدگی کنند.

8. حفظ مبانی فقهی در کنار توسعه اقتصادی

یکی از مهم‌ترین درس‌های تجربه کشورهای اسلامی این است که توسعه بازار طلا الزاماً به معنای کنار گذاشتن مبانی فقهی نیست.

کشورهای اسلامی تلاش کرده‌اند میان: اصول شرعی مانند مالکیت واقعی، منع غرر و شفافیت معامله؛ نیازهای اقتصادی جدید؛ فناوری‌های مالی، هماهنگی ایجاد کنند.

برای حقوق ایران نیز راهکار مناسب، حذف قواعد سنتی نیست، بلکه بازخوانی آن‌ها در چارچوب اقتصاد جدید است.

جمع بندی

بررسی تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که بازار کارآمد طلا نیازمند سه پایه اساسی است:

نخست؛ شفافیت و استانداردسازی معاملات از طریق تعیین دقیق مشخصات طلا، ثبت اطلاعات و ایجاد نظام رهگیری.

دوم؛ تفکیک حقوقی میان انواع معاملات طلا شامل معاملات فیزیکی، سرمایه‌گذاری و ابزارهای مالی.

سوم؛ ایجاد نظارت تخصصی و حمایت مؤثر از فعالان بازار و مصرف‌کنندگان.

برای ایران، مهم‌ترین درس تطبیقی آن است که بازار طلا باید از یک بازار صرفاً سنتی به یک نظام اقتصادی شفاف، استاندارد و قابل نظارت تبدیل شود؛ نظامی که ضمن حفظ مبانی حقوقی و فقهی، توانایی پاسخ‌گویی به تحولات فناوری و نیازهای جدید اقتصادی را داشته باشد.